



بهاء‌الدین خرمشاهی

# دیوان حافظ

## بس!

### غزل‌های حافظ

بر اساس ۴۳ نسخه خطی سده نهم  
تدوین: دکتر سلیم نیساری  
چاپ اول: اردیبهشت ۷۱  
خط استاد سلحشور

شادروان سیدالشعراء امیری فیروزکوهی مقاله‌ای دارد تحت عنوان حافظ بس که نگرانی‌اش را از پُر توجه کردن اهل ادب به حافظ و غفلت از بزرگان دیگر شعر فارسی از جمله صائب ابراز می‌دارد. اما حافظ پژوهان بیدی نبودند که با این بادها به لرزه درآینده و همچنان کار تصحیح دیوان و نقد و شرح شعر او پرداختند. چندانکه نگارنده این سطور در هفت - هشت سال پیش، در شماره پنجم از سال اول کیهان فرهنگی، مقاله‌ای تحت عنوان «روتق بازار حافظ شناسی» نوشت و گزارش از کارنامه این فن عالمگیر و رشته‌ای که سر دراز دارد، تا آن تاریخ عرضه داشت. سپس سال بزرگداشت جهانی حافظ (۱۳۶۷ ش) پیش آمد و این تنور داغ، داغ‌تر و تافته‌تر شد؛ و برای نخست بار «کتابشناسی حافظ» آنهم دو فقره، تدوین شد. یکی تحت همین نام، تدوین آقای مهرداد نیکنام که در سال ۱۳۶۸ در رشته مرجع‌نگاری، کتاب سال شناخته شد. و دومی تحت عنوان حافظ پژوهی و حافظ پژوهان تدوین آقار دکتر ابوالقاسم رادفر.

و به دنبال برگزاری بزرگداشت حافظ در سال ۶۷ در دانشگاه شیراز و شرکت حافظ پژوهان ایران و جهان، باز هم توجه بیشتر به حافظ معطوف شد و آثار بسیاری از تصحیح و شرح تا خوشنویسی و طبع نفیس دیوان حافظ به بازار آمد، تا جایی که به قرار اطلاع، آقای نیکنام که در طی این چهار سال «کتابشناسی»

خود را مدام ویرایش کرده و عناوین کتابها و مقالات جدید را بر آن افزوده‌اند، چاپ دوم آن را در حجمی نزدیک به دوبرابر حجم چاپ اول منتشر خواهند کرد.

اما در تصحیح دیوان حافظ چند نقطه عطف داریم و گمان می‌رود که داریم به نقطه ختام و بلکه حسن ختام نزدیک می‌شویم. این نقطه‌های عطف عبارتند از طبع و انتشار حافظ قدسی (۱۳۲۲ق)، طبع خلخالی (۱۳۰۶ ش)، طبع قزوینی که عمدتاً استوار بر نسخه اساس طبع خلخالی بود و دهها سهوالقلم و غلط چاپی و تصحیف‌خوانی طبع مرحوم خلخالی را برطرف کرده بود، و به سال ۱۳۲۰ ش، منتشر شد که تاکنون احتمالاً بیش از ۳۰ بار تجدید چاپ یافته است.

با چاپهای ذوقی دیوان حافظ که نخستین فقره آن اثر ذوق‌ورزیهای شعرشناسانه شادروان حسین پژمان بود (چاپ اول ۱۳۱۵ش) و یکی از خوش جل و جهازترین آنها تصحیح استاد سید ابوالقاسم انجوی شیرازی (چاپ اول ۱۳۶۴ش) و جوان فریب‌ترین آنها روایت آقای احمد شاملو (چاپ اول ۱۳۵۴ ش) بود، در اینجا کاری نداریم.

اما از تصحیح‌های علمی و آکادمیک یکی تصحیح و طبع مشترک استاد محمدرضا جلالی نائینی و استاد نذیر احمد (طبع اول، ۱۳۵۰) و دیگر تصحیح و طبع دکتر رشید عیوضی و دکتر اکبر

بهرروز (چاپ اول ۱۳۵۶ش) و مهمتر از همه تصحیح و طبع شادروان دکتر پرویز نائل خانلری بود که فصل تازه‌ای در تصحیح دیوان حافظ و ارتقاء سطح حافظ پژوهی رقم زد (چاپ اول در یک جلد ۱۳۵۸، چاپ اصلی و دوم ۱۳۶۲ ش)، که بسیاری از ادب‌شناسان و حافظ پژوهان روزگار بر آن نقد نوشتند و استاد ابوالحسن نجفی پیشنهاد کرد که دیگر خدای را، به همین نسخه و تصحیح ارجمند بس کنیم. اما «ماجرای حافظ»، «پایان‌ناپذیرتر» از این حرف‌هاست. و در این ایام دو کوشش مهم تازه نیز در راه است، یکی که به تازگی عرضه شده، و منظور راقم این سطور در نگارش این معرفی کوتاه است، تصحیح دکتر سلیم نیساری است و دیگری که در آخرین مراحل چاپی است، تصحیح کسی است که حافظانه‌ترین غزلها را پس از حافظ سروده است، یعنی جناب هوشنگ ابتهاج (ه.ا. سایه).

آقای دکتر نیساری در حدود بیست سال پیش هم نسخه‌ای از دیوان حافظ به دست داده بودند که نه این متون متعدد و بسیار کهن مبنای آن بود، و نه این روش دانی سنجیده را که در سالهای اخیر و در این تصحیح جدید از خود نشان داده‌اند، در آن پیش گرفته بودند.

دیوان حاضر، غزل‌های حافظ نام دارد و چنانکه بر صفحه عنوانش آمده و در مقدمه شرح داده شده «بر اساس چهل و سه نسخه خطی سده نهم» تصحیح شده است که قدیمترین نسخه نسبتاً کامل آن که ۴۵۵ غزل دارد، نسخه مورخ ۸۱۳ ق (۲۱ سال پس از وفات حافظ)، محفوظ در کتابخانه سلیمانیه استانبول، و جدیدترین یا کم‌قدمت‌ترین آنها که پرغزل و تاریخدان است، مورخ به سال ۸۹۸ ق (حدوداً یکصد سال پس از وفات حافظ)، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دارای ۳۸۴ غزل است.

ویژگیهای تصحیح تازه غزل‌های حافظ عبارتند از:  
۱ - اشتمال بر مقدمه‌ای تقریباً مبسوط و وافی به مقصود در باره روش تهیه و تدوین این تصحیح بر مبنای ۴۳ نسخه قرن نهمی.



۲ - نویساندن غزل‌ها به قلم کتابت شیوای استاد محمد سلحشور، خوشنویس معاصر، و رفع همهٔ سهواً القلمها، به طوری که متن غزلها حتی یک غلط کتابتی هم ندارد.

۳ - احتوا بر ۴۲۴ غزل (حال آنکه قزوینی ۴۹۵ غزل و خانلری، طبع دوم، ۴۸۶ غزل دارد. به اضافهٔ چند مثنوی: بیبا ساقی، فتنه روزگار، معنی کجایی و آهوی وحشی. با این حساب از کل دیوان معروف یعنی همین قزوینی و خانلری عجالتاً:

الف - قصیده‌ها

ب - رباعیها

پ - قطعات

ت - مقدمهٔ محمد گلندام را ندارد

ث - در حدود ۷۰۶۰ غزل هم از آنها کمتر دارد.

۴ - نکتهٔ مهم این است که جناب دکتر نیساری فقط متن منفع غزلها را در این مجلد به دست داده‌اند و نسخه بدلها و دلایل ترجیحات و رد و قبولها را به مجلد مستقل دیگری تحت عنوان دفتر دیگر سانیها در غزلهای حافظ حواله داده‌اند که امیدوارم آن مجلد هرچه زودتر انتشار یابد تا سلسلهٔ سند و سلسلهٔ نسب این غزلها



معلوم شود، و نیز دلایل انتخاب هر ضبط؛ چنانکه وعده داده‌اند که همه را عرضه خواهند داشت.

۵ - به قراری که مصحح محترم به اینجانب فرمودند این تصحیح حدود ۱۳۰۰ فقره اختلاف معتابه (اعم از اختلاف قرائات و تفاوت ضبط از یک کلمه گرفته تا داشتن یک بیت یا دو بیت اضافی یا نداشتن یک یا دو بیت یا داشتن و نداشتن گل یک غزل) با دیوان لمصحح علامه قزوینی؛ در حدود ۷۰۰ اختلاف و تفاوت معتابه با دیوان مصحح شادروان خانلری دارد.

گفتنی است که دکتر نیساری در سال ۱۳۶۷ کتابی تحت

عنوان مقدمه‌ای بر تدوین غزلهای حافظ انتشار دادند که اسرار هویدا می‌کرد و نشان می‌داد که فی‌المثل وقتی که قزوینی یا خانلری گزارش می‌دهند که فلان عبارت یا تعبیر را از فلان نسخه برگرفته‌اند، با تدقیق بیشتر و مراجعه به آن متون، معلوم می‌شود که گزارش خلاف واقع داده‌اند و احتمالاً کسانی که با آن استادان همکاری کرده‌اند، یا خود آنان، اشتباه کرده‌اند. یا از منبعی غیرموثق، نقل کرده‌اند. کتاب مقدمه‌ای بر تدوین غزلهای حافظ، از نظر مچ‌گیری ادبی و پی‌بردن به ضعفها یا اشتباهات تصحیح دیوان حافظ، بسیار جذاب و از یک رمان پلیسی خوب هم، هوشمندانه‌تر و چرت‌پارکن‌تر و خوشخوان‌تر است.

«ضوابط گزینش متن» در تصحیح حاضر عبارتند از:

۱ - توجه به ضبط اقدم نسخ (البته دکتر نیساری هیچ متن واحد یا متون مشخصی را به عنوان نسخه یا نسخه‌های اساس کار خود برنگزیده‌اند و دلایلی برای این روش داشته‌اند که در مقدمه یاد کرده‌اند.)

۲ - پذیرش ضبط اکثریت نسخ

۳ - توجه به سبک اندیشه و بیان حافظ: که مصحح دانشور در اینجا هم که لغزشگاه اغلب مصححان است، تلفزیده‌اند و ذوق خویش را به کمال ندیده و اصولاً از واردکردن این معیار ذوقی - ذهنی، بدون محاسبه و محابا، پرهیز کرده‌اند. چنانکه تصریح دارند که حتی به یک مورد تصحیح قیاسی نیز در کل این کار راه نداده‌اند؛ و به جای آن در اینجا به ضوابط مشخص و ملموسی چون «تدوین فرهنگ بسامدی واژگان غزلها» روی آورده و در طی کار مداوم با چنین فرهنگی مشورت کرده‌اند.

یک مثال که به خوبی نشان می‌دهد که دکتر نیساری روشمندانه، و نه ذوق ورزانه، عمل کرده است این است که در معاشران گره از زلف یار باز کنید، مصراع دوم را چنین آورده است: «شبی خوش است بدین واصله اش دراز کنید»، و در توضیح آن، در مقدمه (ص ۱۲-۱۳) نوشته است: با آنکه رابطه و همخوانی و کنار هم آمدن «زلف و قصه» در شعر حافظ، مکرر رخ می‌نماید، ولی نظر به آنکه از میان ۳۵ نسخه‌ای که این غزل را دارند، جز سه نسخه، بقیه «واصله» ضبط کرده‌اند، و چون دلیلی ندارد که ۳۲ کاتب دیگر از روی قصد و غرض خاصی خواسته باشند این کلمه ساده و مناسب «قصه» را به کلمهٔ غریب «وصله» تغییر بدهند، لذا همان ضبط اکثریت (وصله) پذیرفته شد.

گمان می‌کنم در حد معرفی کوتاه توانسته باشم توجه حافظ پژوهان را به این تصحیح و طبع جدید و متفاوت و سخت‌کوشانه و روشمندانه جلب کنم. ارزیابی نقادانهٔ این اثر را صاحب‌نظران صاحب همت، آن هم پس از انتشار دفتر دیگر سانیها، به عهده خواهند گرفت. در اینجا برای این کوشش هفده‌ساله باید دست مریزادی به جناب دکتر نیساری عرضه داشت. نمی‌دانم آیا بی‌احتیاطی نخواهد بود که از سر اعجاب نسبت به این تصحیح متین بگویم: ای دوستان، حافظ پژوهان، متن سنجان، سخت‌کوشان، نسخه‌پردازان، تصحیح دیوان بعد از این بس! اما به عین و عیان دیده‌ایم و می‌بینیم که اختلاف علما و حافظ پژوهان همواره سرمایه و سرمنشأ رحمت بوده است. به قول خود حافظ:

به رحمت سر زلف تو واثقم ورنه

ککش چو نبود از آن سو، چه سود کوشیدن